روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سه‌شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۱_ ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۴_ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۲- شماره ۲۰۳۶ _ سال هفتم

۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیاز , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: فضل‌الله یاری

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد۳

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ _ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت

شک منطقی، توطئه و توهم توطئه

جهانگیر ایزدپناه

فعال اجتماعی

شک منطقی سقراط‌گونه با توهم توطئه متفاوت است. شک سقراطی نوعی پرسش‌گری برای بازتعریف مفاهیم و نیل به حقایق و واقعیت‌هاست که انبان دانش بشری را پربارتر می‌کند. یک روش و هنر تربیت و محرک بررسی موشکافانه و مجدد مفاهیم و باورهای غلط است. خلاقیت فکری می‌آفریند و شکوفایی ذهن و اندیشه را دربر دارد. بنابـر این با تئوری توطئه و ایجاد بدبینی و مغشـوش ساختن اذهان متفاوت است. شـک منطقی انسان‌ها را به سـوی بازبینی و تجزیه و تحلیل مفاهیم و باورها فرامی‌خواند اما به هیچ وجه همانند خودشیفتگان متوهم خود را دانای مطلق و اشتباه‌ناپذیر نمی‌پندارد. توطئه به معنی دسیسه‌چینی و طرح نقشه موذی‌گرانه و ساخت و پاخت پنهانی و فتنه‌انگیزی علیه دیگری است. توهم توطئه ریشـه در مختصات روحی و روانی شخص دارد که در پشـت هر پدیده و اتفاقـی نوعی توطئه پنهانی توسط شخص یا گروه یا سازمانی می‌بیند وعلت حوادث و رخدادهـای اجتماعی و ناکامی‌ها را به عوامل پنهانی، مبهم وموهوم نسـبت می‌دهـد و از درک علل واقعی رخدادها غافل است. در زمینه اجتماعی- سیاسی گاهی افراد و حاکمیت‌ها براثر ناتوانی خود در فهم ودرک کافی از پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های جامعه را دچار جو بدبینی و توطئه‌پنداری و دشمن‌تراشی همیشگی می‌کنند تا به خیال خود افکار عمومی و ذهن مردم را مشغول مسائل و دشمنان موهوم و غیرواقعی گردانند که خواسته‌هایشان را به فراموشـی بسـپارند. در واقع طرح مدام توطئه و بزرگ‌نمایی خطر دشـمنان برای سر پوش گذاشتن بر ضعف و ناتوانی خود در اداره امور جامعه و شـانه خالی کردن از بار مسـئولیت اسـت. مروجان تئوری توطئه دچار خودشیفتگی‌اند وخود را فارغ از اشتباه می‌پندارد. در چنین شـرایطی فرافکنی و سطحی‌نگری جامعه را فرامی‌گیرد و مخالفان و منتقـدان مطرود ومغضوب و متملقان بی‌اراده محبوب می شـوند. گسترش چنین بینشی راه را بر بررسی و تجزیه تحلیل علمی می‌بندد. خودشیفتگی و فارغ از اشتباه پنداشتن خود به تدریج در وجود متوهم چنان ریشه‌دار می‌شود که هرگونه مخالف و منتقد را دشمن می‌پندارد که مستوجب هرگونه پیگرد و عواقب ناگوار است. باید قبول کرد که تفکر علمی و خلاق و تشکیک منطقی و واقعیت‌اندیشی نسبت معکوس با توهم توطئـه دارد. یعنی هرچه تفکر خلاق‌تر و توانایی تجزیه و تحلیل و بررسـی برحسب مستندات و شواهد و ادله کافی باشـد کمتر مجالی یـرای توطئه‌پنداری متوهمانه وجود دارد. این تفکر خلاق و واقع‌گرایی است که رابطه علت و معلولی پدیده‌هـا و حوادث را به طور عینی و منطقی ریشه‌یابی و بررسی می‌کند و راهکار ارائه می‌دهد و علت همه امـور را بدون ادله کافی به توطئه دشمن نسبت نمی‌دهد. جامعه ما با یک بغرنجی مواجه اسـت که ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها و بی‌برنامگی‌های سیاسی و فرهنگی واقتصادی را به بیگانگان و عوامل دیگر نسبت می‌دهند. این نوعی نگاهی سطحی، عوام‌پسند و غیرعلمی به رویدادهای اجتماعی جامعه وجهان است که ویرانی به بار می‌آورد.

حافظه تاریخی

در آستانه انقلاب اسلامی؛

روزی که اعتصاب مطبوعات آغاز شد

پاییز سال ۱۳۵۷ را باید فصل اعتصاب بنامیم چرا که ارگان‌های پرشماری در این فصل و چند ماهی پیش و پس از آن به دلایل سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی دست به اعتصاب زدند. یکی از گروه‌هایی که نام‌شان در فهرست اعتصاب کنندگان جلب توجه می‌کند اهالی مطبوعات هستند. مطبوعاتی‌ها یعنی روزنامه‌نگاران، کارگران فنی و کارمندان اداری شـاغل در مطبوعات نیز در پاییز و زمسـتان ۱۳۵۷ دو اعتصاب سراسری را از سـر گذراندند؛ اعتصاب‌هایی در جهت مقابله با فشار سانسور، تقاضای آزادی و امنیت روزنامه‌نگاران و همراهـی با نهضـت مردمی. نخسـتین اعتصاب، کوتاه‌مدت و از ۱۹ تا ۲۲مهر ماه و دومین اعتصاب که دو ماه به درازا کشید، از ۱۵آبان تا ۱۵دی ماه بود. یکی از اعضای شورای سردبیری روزنامه کیهان نقل می‌کند: «آن زمان درگیری مطبوعات با حکومت هم اوج گرفته بود و مشکل سانسور وجود داشت. پس از مدتی کوتاه از واقعه میدان ژاله[قیام ۱۷ شـهریور میدان شهداء]، در ماه مهر اعتصاب ۵ روزه مطبوعات شـروع شـد. شریف‌امامی می‌خواست با وعده‌هایی انقلاب را بپوشاند و در مقابل سپهبد اویسی فرمانده نظامی با همراهی ژنرال‌ها برنامه‌های نخسـت‌وزیری را خنثی می‌کرد. نظامیان می‌خواسـتند با کودتای بزرگ و قلع و قمع مخالفان و تیراندازی شـهر را در اختیار خود بگیرند. اوج مبارزه این دو گـروه زمانی بود که ما چهار، پنج روز با دفتر نخسـت‌وزیر کلنجار رفتیم تا اقرار کنند سانسور در مطبوعات بوده و نباید وجود داشته باشد. تیتر سراسری مطبوعات در آن روز «اعتصاب سراسری مطبوعات» بود. اوضاع بسیار به هم ریخته بود و نظم خاصی حاکم نبود. هر کدام نظریه‌های خود را اعمال می‌کرد و مملکت شیرازه نداشت. مشخص بود که رژیم چه سرنوشتی دارد و در آخر هم فروپاشید.»

اعتراض کوتاه مدت اول (نوزدهم الی بیسـت و سوم مهر ۱۳۵۷) ریشـه و عامل تحریک این اعتصاب‌ها را می‌توان در واقعه ۱۷شهریور ۱۳۵۷ جست و جو کرد. کشتار مردم در جمعه سیاه میزان هم‌بستگی ملی را افزایش می‌دهد و سـبب می‌شود تا یکی از مهم‌ترین اعتصاب‌های آن زمان شکل بگیرد. اعتصابی که با عنوان اعتصاب مطبوعات در تاریخ ماندگار شـد. نخستین اعتصابِ جراید در ایـران، از ۱۹ تا ۲۳مهر ۱۳۵۷ در اعتراض به سانسـورهای شـدیدی صورت می‌گیرد که از سـوی دولت شـریف امامی روی داده است. در این اعتصاب که کوتاه مدت است، نظامیان صبح روز چهارشـنبه ۱۹مهر در تحریریه روزنامه‌های کیهان و اطلاعات حضـور پیدا می‌کنند تا بر محتوای مطالب در حال نگارش و چاپ نظارت کنند. جرقه اعتصاب از همین جا زده می‌شود. روزنامه‌نگاران در این اعتصاب در پی آن هستند تا تضمینی برای ادامه فعالیت آزاد و جلوگیری از سانسور به دست آورند اما وضعیت حاکم به گونه‌ای است که کسی چنین تضمینی را نمی‌دهد و به رغم رایزنی‌های مدیران دو روزنامه با فرماندار نظامی وقت تهران، باز هم مأموران از تحریریه خارج نمی‌شوند. چیزی نمی‌گـذرد که این خبر بـه دفاتر مطبوعات

ملاقات نماینده کیهان با حضرت آیت‌الله العظمی خمینی

کیهان

پایان یک قرن سانسور

اعلامیه آیات عظام در باره تعطیل فردا

دولت آزادی مطبوعات را تضمین میکند

دیگر هم می‌رسـد. این چنین می‌شـود که علاوه بر روزنامه‌های یاد شـده روزنامه‌هـای آیندگان و پیغام امروز هم به جمع اعتصاب‌کنندگان می‌پیوندند. این سلسله زنجیروار پیش می‌رود و مطبوعات تمام کشور را با خود همراه می‌کند. دولت در چنین شرایطی با دو چالش روبرو می‌شود؛ نخست اینکه دادن هرگونه تعهد امنیت و آزادی به مطبوعات سبب می‌شود ادعای آنان مبنی بر نبود آزادی اثبات شود و این نقضِ حرف دولت درباره وجود آزادی مطبوعات در آن دورهَ اسـت. دوم، دولت تمایل ندارد مشکل به وجود آمده ادامه‌دار شود. بنابر این به ناچار با توجه به جو عمومی کشور در برابر مطالبات مطبوعات کوتاه می‌آید و بدین ترتیب دور اول اعتصاب‌ها پس از پنج روز تمام می‌شود.

محمـد بلـوری در خاطرات خویش بیـان می‌کند: «نوزدهم مهر سـال ۵۷ خبرنگاران و نویسندگان در تحریریه روزنامه‌ها به نشانه اعتراض به وجود سانسور یکباره قلم‌ها را به روی میز گذاشتند و با دست کشیدن از نوشتن، ماشـین‌های چاپ را از کار انداختند و به این ترتیب با اعلام اعتصاب، مطبوعات را به تعطیلی کشـاندند. پس از برکناری امیرعباس هویدا در مرداد ماه سال ۵۶، آموزگار زمانی به نخست‌وزیری می‌رسد که شـعله‌های مبارزات مردمی علیـه رژیم با برپایی تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اعتصابات در وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف روز به روز سـرکش‌تر و مهیب‌تر زبانه می‌کشید و هر چه خشم و خروش مردمی شدت پیدا می‌کرد، سانسور ساواک بر روزنامه‌ها شدت می‌یافت و از سوی دیگر وزارت اطلاعات و جهانگردی دایره قلم زدن خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات را تنگ‌تر می‌کرد. چون هم سـاواک و هم وزارت اطلاعات و جهانگردی انتشـار خبرهای مربوط به این جنبـش مردمی در مطبوعات را سبب گسترش تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اعتصابات در سراسر کشور می‌دانستند...»

با همین واژه‌ها معمولی

درباره شعری از «صابر سعدی‌پور»

کم که می آورم روزی چند بار خودم را بغل می کنم

فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

شـعر (۳۵) یـا شـعر «فرمانـده» صابر سـعدی‌پور، مرا به یاد «سرزمین ویران» الیـوت می‌انـدازد. فرمانـده از نگاهـی، منظومـه‌ای پر از مرثیه، سـوگ، مرگ و درد است. این شـعر از دورانی، ما را خبر می‌دهد که در آن هر چه هسـت و نیست پر از تباهی و ویرانی و رنج و شکنج است. چنین فرآینـد و برآیندی را ما در اروپای پس از جنگ جهانی اول و دوم در شـعر اغلب شاعران و نویسندگان طبقه بورژوازی در غرب که آمال و آرزوهای خود را بر باد رفته می‌دیدند، می‌بینیم. آنها می‌دانستند و دریافته‌بودند کـه زندگانی صحنه خطر و ریسـک و بحـران و بیمـاری اسـت، ازایـن‌رو خود را در قفسـی می‌دیدند که راه برون‌شـدی از آن برای آدمی میسور و متصور نبود. شعر «سرزمین ویران» الیوت، الگو و نمونه شـاخصی است. شاعر خطاب به انسان می‌گوید: «تو جز مشتی بت‌های شکسـته نمی‌شناسـی/ آنجا که می‌کوبد خورشـید و پناهی نمی‌بخشـد درختان مرده.» (سرزمین بی‌حاصل، الیوت، حسن شهباز، تهران ۱۳۵۷، ص ۷۸) سعدی‌پور بر همین اساس می‌گوید: «تنها چیزی که زندگی را از پا درمی‌آورد فراموشی است .../ فرمانده، بلند شو و شلیک کن/ گاهی برای ادامه نسـلی باید آن را منقـرض کرد...» سعدی‌پور پس از خاتمه جنگ، سربازان را به شـکل منفرد و از جمع گسسته ترسیم می‌کند: «هرکـس را در آغوش می گیرم می‌توانم بفهمم چنـد روز از عمرش باقی مانـده/ کم کـه مـی‌آورم روزی چند بار خودم را بغل می‌کنم ...» در بخش سـوم «سـرزمین ویران» الیوت: منشی موسسه ای حقیـر «معاملات امـلاک» که از کار برگشته و ملول و درهم شکسته و افسرده است با همسرش شام می‌خورد و می‌کوشد او را با نوازش‌های خود شاد و سرگرم کند و بـه هیجان وادارد. آمیزش آن‌ها بی‌روح، بی‌لطف و افسرده کننده است و در فرجام «مرد کورمال راه به بیرون از اتاق می‌برد/ در پلکانـی کـه در آن چراغـی افروخته نیست.» و«آن‌قدر صدای مرگ شنیده‌ای/ که دیگر صدای مردنت را نمی‌شنوی.» در دوره بحران و در هنگامه صلح، سـروکله تراژدی پس از فرو نشستن گردوخاک پیدا می‌شـود: «نه! هواشناسی اشتباه می‌کند/ این‌ها گردوخاک نیستند که از کشورهای همسـایه می‌آیند/ اینان سربازانی هستند کـه می‌خواهند به وطن‌شـان برگردند.» راوی از ریشـه‌های اجتماعـی و طبقاتی خود، بریده و کنده شده و خود را در جهان تنها و بیگانه می‌داند، او تجسم پریشیدگی جامعه‌ای رفته بر باد است. راوی، سربازی است که «زنده‌اش به درد وطن و مرده‌اش به درد سیاسـت‌مداران» می‌خورد. راوی نماد تمام سربازان از جنگ برگشته ایران است، سربازانی که «پر شده‌اند از وحشت»، سـربازانی که «نامه در جیب‌شـان بوی گوشت سوخته گرفته» اسـت. سربازانی که بارها و بارها، سـر بر سـینه معشوق گذاشـته‌اند و اکنون «در سـینه وطن به خواب» فرو رفته‌اند: «دلم می‌خواسـت با دست او برای معشوقه... می‌نوشتم: «سلام عزیزم! تو سـرود ملی من هسـتی که آن را غصب کرده‌اند...» شـعر ۳۵ سعدی‌پور مثل شـعر «السا در آینه» آراگون با وجود آنکه بن‌مایه‌های رمانتیکی دارد ولی شاعر تـلاش می‌کند بـا جزئی‌نگـری و پیوند برجسته‌ای که میان واقعیت‌های درونی و بیرونی خود دارد، عشـق و فاجعه دوران جنگ را کشف کند و شور و شعوری تازه را فراهم بیاورد. آراگون عشق و فاجعه دوران اشـغال فرانسه را این گونه تصویر می‌کند: «درسـت وسـط فاجعه ما بود/ و یک روز آزگار در برابر آینه نشسـته/ موی زرینش را شـانه می‌کـرد/ من می‌پنداشـتم که دسـت‌های صبورش آتشی را رام می‌کند/ درسـت وسـط فاجعه ما بود .../ همه آن روز در برابر آینه نشسـته/ گل‌های بیکران آتش را دامن می‌زد .../ دنیا شبیه آن آینه ملعون بود/ شـانه، شعله‌های آن پرنیان را جـدا می‌کرد/ و آن آتش گوشـه ذهنم را روشن می‌نمود .../ درست وسط فاجعه ما بود/ هم چنان پنجشـنبه در وسط هفته نشسـته .../ بازیگران فاجعه ما/که بهترین ارمغان این جهان لعنتی هستند/ یک یک می‌میرنـد ...» انعکاس آتش‌سـوزی‌های فاشیست‌ها و فاجعه‌ای را که ایجاد کرده‌اند در آینه دیده می‌شود.«السا» نیز خود را در آینه در میان بازتاب شـعله‌های سرکش و فاجعه می‌بیند. بنابر این او با آگاهی کامل در برابر آینه و آتش می‌نشـیند و آتش بر می‌افروزد و با «شانه، شعله‌های آن پرنیان را جدا می‌کند» تا این عشـق و شـعله به درون شـاعر راه یابد و گوشه‌های ذهن او را روشـن سـازد. بدین‌گونه شاعر از وهم و گمـان بیرون می‌آید و عشـق، «چهره سـرخ»اش را نشـان می‌دهد، سعدی‌پور می‌گوید: «فرمانده! کودکی‌ام پر از گل‌های سرخی است/ که نام‌شان را نمی‌دانم/ دلم می‌خواسـت/بلد بودم و می‌توانسـتم این همه جنازه را صمیمی‌تر از نام کوچک‌شان صدا بزنـم/ خدا هم نام این همه سـرباز را/ این همـه گل را به خاطـر نمی‌آورد/ کدام شـاعر را دیده‌ای که کلمه به کلمه شـعرهایش را به خاطر داشته باشد؟»در این منظومه، سـربازان کلمات می‌شوند، شـاعر پیوند تازه‌ای بیـن درون و بیرون خود و عشـق و فاجعـه ایجاد می‌کند و - بدون آن کـه اغراق کند - به بیانی مدرن دست می‌یابد: «به رؤیاهایت که پناه ببری/ با اولین موج، تـو را بیرون پرت می‌کنند/ به خودت که بیایی جانبازی همسـرت را عمیق‌تر کرده‌ای/که مثل همیشـه پشت عینک آفتابی اش پنهان می‌کند/ در صلح تروخشـک با هم می‌سوزند ...» سعدی‌پور مثل آراگون بدون آن‌که به توصیف سجایا و خصایل معشوق و زیبایی‌های او بپردازد و بدون آنکه مثل شاملو از صناعات تزئینی غلیظ اسـتفاده کند، رابطـه میان کلمات خـود و جهـان ورای واژگان، آن جهـان متراکم و خاص اشـیاء را می‌شناسد و به آن علاقه‌مند می‌شـود. نیـاز اصلی ما به بینش هسـتی شناختی اسـت. بینش در عمق طبیعت و مکاشـفه در هستی خود و طبیعت، هدف اصلی شـعر است. شکل (فرم) از مهم‌ترین ویژگی‌های شـعر است که بدون آن سایر اجزای شعر به هماهنگی نمی‌رسند. در این شعر هر جزیی در پیوند با سـایر اجزاء و تاثیر و تأثر متقابل یافتم با آن‌هاسـت که مجموعه پویا و جاندار و زنده‌ای را به وجود می‌آورد.

میراث

باغ دلگشا؛ بنایی که قدمت آن به پیش از اسلام بازمی گردد

شـیراز یکی از شـهرهای زیبای ایران با زیبایی‌های بسـیار است که گردشـگران زیادی را به خودش جذب کرده است. یکی از زیبایی‌های این شهر باغ دلگشا اسـت که قدمتی تاریخی دارد. شیراز شهری است مملو از باغ‌های زیبا و چشمنواز با قدمتی تاریخی. یکی از این باغ‌ها که در فاصله ۵دقیقه ای از ارامگاه سعدی قرار گرفته و با درختان بهارنارنجش انسان را مدهوش می‌کند باغ دلگشا است. باغی که پس از فراز و نشیب‌ها و تخریب‌های بسـیار تا به امروز پابرجا مانده است تا نشانی از قدرت و شـکوه روزگار خود باشد. باغ دلگشای شـیراز به قدری زیبا بوده است که تیمور گورکانی بعد از دیدن این باغ دسـتور ساخت باغی مشابه باغ دلگشـا را در سمرقند داد. باغ دلگشـا در نزدیکی آرامگاه سعدی واقع شده اسـت و به‌طور دقیق‌تر در سمت جنوب تنگ آب‌خان و در دامنه کوهسـتان قرار دارد. اگرچه قدمت تاریخی این باغ به قبل از اسـلام و زمان حکومت ساسـانیان، صفویان و قارجاریان برمی‌گردد اما در دوران صفویه هم مکانی برای تفریح بوده است. اگرچه در زمان حکومت نادرشاه تا آغاز حکومت زندیه باغ دلگشـا دچار ضربه و آسیب‌های بسیاری شد اما در دوران کریم‌خان زند دوباره این باغ جانی دوباره گرفت و به دوران اوج آبادانی و شـکوه خودش رسید. سال‌ها بعد در دوران قاجار شخصی به نام حاج ابراهیم اعتماد الدوله شـیرازی دوباره باغ را احیا کرد اما بعد از او این باغ همانند مخروبه شـد تا اینکه در سـال ۱۳۳۶ توسط نواب رضاقلی میرزا باغ خریداری شـد و عملیات مرمت و بازسازی شروع شد. حدود ۳۰سال بعد باغ دلگشـا توسط میرزا علی‌اکبر قوام‌الملک مرمت شـد درر زمان او بود که ایوان و سـتون‌های این عمارت بنا شد. پسر او نیز حمام را در ضلع شـرقی باغ ساخت. شـاید برایتان جالب باشد که بدانید این باغ تا حدود ۵۰سال پیش نیز تحت تملک دختر قوام‌الملوک و همسرش ناظم‌الملک بود اما اکنون اداره آن در دست شهرداری است. مسـاحت باغ دلگشا ۷٫۵هکتار است و بیشترین درختی که در آن یافت می‌شود، نارنج است. این باغ هنگام اردیبهشت با شکوفه‌های زیبا و عطر و بوی دل‌انگیز بهار نارنج، فضایی بسـیار دلنشین دارد. با قدمتی که به دوره زندیه بازمی‌گردد، عمارت موجود در وسـط باغ به شیوه معماری کاخ‌های ساسانی بیشـاپور ساخته شده است. این عمارت سه طبقه دو درب ورودی در دو طرف ساختمان دارد و شامل یک تالار بزرگ به‌همراه چهار شاه‌نشـین می‌شـود. ایوان بزرگی با دو ستون در طبقه میانی آن وجود دارد که رو به استخر است و پیرامون آن اشعاری از شوریده (شاعر شیرازی عهد صفوی، صاحب مثنوی سحر حلال) با خط نستعلیق نوشته شده است. سقف‌هایی از چوب با گچبری‌های زیبا به‌همراه آینه‌کاری‌ها و نقاشی‌هایی از رنگ روغن به زیبایی این عمارت می‌افزایند. همچنین در مقابل ساختمان عمارت، حوض سنگی بزرگی جلب توجه می‌کند. آب باغ نیز از چشمه قنات آرامگاه سعدی تامین می‌شود. به‌علاوه ساخت اولین عمارت کلاه فرنگی ایران نیز در این باغ به ثبت رسـیده اسـت. این باغ در سـال ۱۳۸۱ و به شماره ۹۱۲ به ثبت ملی رسیده و اکنون در اختیار شهرداری شیراز است.

دریچه

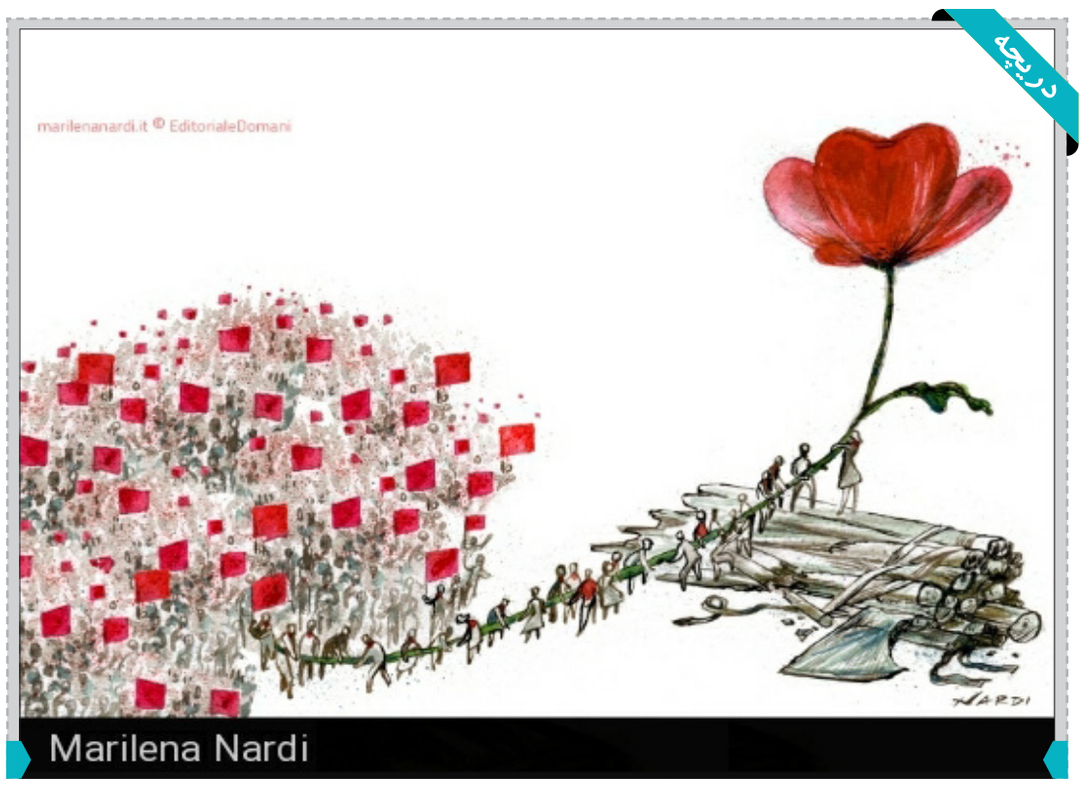

جزئیات سعدی

از جمله‌ی بندگان، منش بنده‌ترم
وز چشم خداوندیش، افکنده‌ترم
با این همه دل بر نتوان داشت، که دوست
چندان‌که مرا بیش کشد، زنده‌ترم

مشتق کلمات

ساباط: محل‌هایی از کوچه عبور که دارای سقف است.

توفال: تخته‌ی باریک و نازکی که به زیر تیرهای سقف باربر کوبیده می‌شود.

مجازستان

- توی کیلینک چشـم و لیزیـک هم اپتومتریه عینکی بود هم دکتر متخصص چشـم، هردوشون گفتن چرا لیزیک نمی‌کنی؟ (Zarburken)
- یه گروهم هسـت توتلگرام هرچندوقت یه‌بار یکی دسـتش می‌خوره یه پیام فـوروارد می‌کنه چند نفر یادشـون میوفته همچیـن گروهی‌هم دارن، بعد لفت می‌دن. (بومرنگ)
- پسر همسایه‌مون اومده باهاش منچ بازی کنم. تاس رو انداخت گفت خدایا تروخدا ۸ بیارم. بهش گفتم تا ۶ بیشتر نمی‌شه، الکی دعای محال نکن. گفت حالا شاید شد. تاس رو که انداخت اول یه ۶ آورد، بعد جایزش ۲ آورد. :) یادم باشه دیگه نگم این آرزوم محاله و نمی‌شه، دعا کنم و بگم شاید شد.(یوتاب)
- مـن مطمئنم قبل از هک کردن شـبکه یک، چند بار تستای هکشـونو روی شبکه چهار انجام دادن اما کسی ندیده.(Ali)

فناوری

هر آنچه باید در مورد موشک «استارشیپ» بدانید

موشـک استارشیپ شرکت «اسـپیس ایکس» یکی از فناوری‌های حوزه هوافضاسـت که همه انتظار دارند در آینده بتواند تحولی را در گردشگری فضایی ایجاد کند. در مورد «ایلان ماسک» چیزهای زیادی می‌توان گفت، اما نمی‌تـوان انکار کرد که این کارآفرین و مهندس به طور جدی صنعت هوافضا را با «اسـپیس ایکس» پیوند داده است. این شرکت خصوصی مهندسی هوافضا نخستین بار ۲۰سال پیش توسط ماسک راه‌اندازی شد و در حال حاضر به یک نیروی پیشـرو در حمل و نقل فضایی و نوآوری تبدیل شده است. یکی از موضوعات مورد توجه، موشک «استارشیپ» شرکت اسپیس ایکس است. جدیدترین استارشیپ برای کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ضایعات ناشی از سفرهای فضایی طراحی شده است که به لطف طراحی آیرودینامیکی و سیستم حمل و نقل کاملا قابل استفاده مجدد می‌تواند شـکل پایدارتری از اکتشافات هوافضا و گردشـگری فضایی را فراهم کند. اگر کنجکاو هستید که درباره جدیدترین نوآوری اسپیس ایکس بیشتر بدانید، این گزارش را مطالعه کنید. در این گزارش، به همه مواردی پرداخته شده است که باید در مورد استارشیپ بدانید؛ از جمله این که اگر بخواهید یک پرواز آینده را به مدار زمین یا فراتر از آن رزرو کنید، چقدر ممکن اسـت هزینه داشته باشد. استارشیپ، یک سیستم حمل و نقل برای اعماق فضا است که بسیاری از کارشناسان صنعت و فضانوردان آن را یک عامل تغییر در اکتشافات فضایی و آینده سفرهای فضایی شامل گردشگری فضایی تجاری و تحقیقات بیشتر در حوزه هوافضا می‌نامند. استارشیپ به همراه موشک «سوپر هِوی» یک سیستم حمل و نقل کاملا قابل اسـتفاده مجدد است که برای حمل خدمه و محموله به ماه، مریخ و مدار زمین طراحی شده است. این پرتاب‌گر فوق‌سنگین، بلندترین و قوی‌ترین وسیله پرتابی به شـمار می‌رود که تاکنون سـاخته شده، اما به همان اندازه مهم است که توجه داشته باشیم که این پیشرفت در مهندسی هوافضا، به ایجاد آینده‌ای سازگارتر با محیط زیست و پایدارتر در اکتشافات فضایی کمک می‌کند. این پرتابگر دو مرحله‌ای، از اکسیژن مایع و متان مایع به عنوان سوخت اسـتفاده می‌کند و از موتورهای «رپتور» قدرت می‌گیرد. این روش باعث کاهش قابل توجه هزینه پرتاب و افزایش فرکانس پرتاب می‌شود.

استارشیپ چقدر هزینه دارد؟

ایلان ماسک به تازگی اعلام کرد که انتظار دارد موشک استارشیپ، کمتر از ۱۰میلیون دلار هزینه داشته باشد که به طور قابل توجهی ارزان‌تر از اسـتاندارد کنونی صنعت است. ماسک اضافه کرد که انتظار دارد به همراه افزایش سفرهای فضایی با استارشیپ، هزینه هر پرواز آن نهایتا به یک میلیون دلار برسد. برای درک بهتر این موضوع باید توجه داشت که هزینه کنونی پرواز با موشک«فالکون۹» اسپیس ایکس، نزدیک به ۶۲میلیون دلار است و پروازهای خصوصی ناسا به ایسـتگاه فضایی بین‌المللی(ISS)، هر کدام ۵۵ میلیون دلار فروخته می‌شوند.

استارشیپ چه زمانی پرتاب خواهد شد؟

"استارشـیپ شماره سـریال ۱۵" (SN۱۵)، پنجمین آزمایش پرواز در ارتفاع بالا را از پایگاه فضایی «استاربیس» در جنوب تگزاس با موفقیت انجام داد. پروازهای آزمایشی استارشیپ، برای بهبود درک و توسعه سیستم حمل و نقل قابل اسـتفاده مجدد صورت می‌گیرند و در حالی اجرا می‌شـوند که موتورهای رپتور و انتقال سوخت را در یک محیط کنترل‌شده آزمایش می‌کنند. هیچ تاریخ مشـخصی برای زمان قرار گرفتن استارشیپ در مدار وجود ندارد، اما ایلان ماسک در یک توئیت خاطرنشان کرد که این موشـک بزرگ ممکن اسـت در ماه آینده پرتاب شـود. ماسک در این توئیت نوشت: «شاید اواخر ماه آینده، اما نوامبر بسـیار محتمل به نظر می‌رسد. ما تـا آن زمان، دو تقویت‌کننده و فضاپیمای آماده را برای پرواز مداری خواهیم داشـت.» با این اوصاف، اسپیس ایکس قصد دارد در سـال ۲۰۲۳ به طور رسمی بخش گردشگری فضایی استارشـیپ را راه‌اندازی کند. در آن زمان، «یوسـاکو مائزاوا» تاجر ژاپنی و خدمه ماموریت گردشـگری ماه موسـوم به dearMoon، نخستین مسـافران ماموریت استارشیپ به ماه خواهند شد. این سفر یک هفته‌ای شـامل پرواز از نزدیک ماه می‌شود و نخستین گام حیاتی در گردشگری فضایی است که فراتر از مدار زمین انجام می‌گیرد.